جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۳ مرداد ۱۴۰۵، برابر ۱۴ آگست۲۰۲۶ | شماره ۳۸۷ | Iranian Workers Analects – No:387

یادداشت

مردم مرعوب تهدید و ارعاب نخواهند شد

صادق کار

موجی از تهدید بویژه از سوی رسانه ها و اعضای نهادهای حکومتی در این روزها به راه افتاده است که دقیقا با اهداف تبلیغات مهاجمان خارجی هم پوشانی دارند و آنها را تکمیل می کنند.

تهدیدات مکرر دونالد ترامپ رئیس جمهور متجاوز امریکا، به ترور، متهم کردن تعدادی از مسئولین سیاسی حکومتی طرفدار مذاکره به خیانت و تهدید آنها به مجازات و برکناری، وسط مذاکرات، تهدید کشورهای همسایه، نمونه هایی از این گونه تهدیدات هستند، که هر کدامشان به سهم خود به مردم و کشور زیانهای زیادی وارد کرده و می کنند و روی وضعیت زندگی و کار و کسب تک تک مردم کشور تاثیرات منفی معینی باقی می گذارند و دست مایه متجاوزان برای توجیه اقدامات جنگی جنایتکارانه شان در نزد افکار عمومی مردم دنیا می شوند و به خشم و انزجار مردم خود ما از رژیم هم دامن می زنند.

رفتار این جماعت قلیل بگونه‌ای است که خود را اختیار دار همه ی مردم و کشور می پندارند و به تبع آن می خواهند برای همه تکلیف معیین کنند.

اظهارات یک نماینده مجلس فرمایشی که بعید است بیش از پنج درصد رای دهندگان حوزه انتخاباتی خودش را بدست آورده باشد و در واقع جز نمایندگان بفرموده و سفارش شده از جانب یکی از باندهای حکومتی است، یکی از این تهدیدات است که مستقیما بیشرمانه جوانان حق طلب و آزادیخواه را تهدید به کشتن در صورت اعتراض کرد. در ماه های اخیر نیز در عمل اینها با اعدام تعدادی از جوانان معترض و کشتار و سر به نیست کردن عده ای از مردم معترض به چنین تهدیداتی عمل کرده‌اند.

"سالار ولایتمدار" نماینده مجلس، در اظهاراتی صریح و تهدیدآمیز می‌گوید بسیج در سراسر کشور مسلح است و آماده برخورد با معترضان است. این اظهارات در واقع ترجمان افزایش اختیارات سرکوب توسط بسیج پس از سپردن فرماندهی آن به جنایتکار بدسابقه و بدنامی چون طائب توسط مجتبی خامنه‌ای است.

هم از این رو این گونه تهدیدات را با توجه به سوابق افرادی چون طائب باید جدی پنداشت و نسبت به پیامدهای آن هشدار داد و با آن به مبارزه برخاست و بفکر چاره برآمد.

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۳ مرداد ۱۴۰۵، برابر ۱۴ آگست۲۰۲۶ | شماره ۳۸۷ | Iranian Workers Analects – No:387

افزایش اعدامها، تشدید سرکوب نهادهای مدنی و سیاسی و اشخاص، از سر گیری هجوم به محل های کسب و کار و تعطیلی آنها به دلیل رعایت نکردن حجاب اجباری مشتریان شان، حاکی از آن هستند که بخشی از تهدیدات در حال اجرا هستند.

در ارتباط با مذاکرات و جنگ و تحریم های اقتصادی نیز جریانات سرکوبگر و جنگ طلب تا کنون موفق شده‌اند، مانع بر سر راه پیشرفت مذاکرات ایجاد کنند. تشدید بحران های متعدد و بیشتر از همه بحران های اقتصادی از یکسو و افزایش فشار اقتصادی و معیشتی و سیاسی به اکثریت مردم محروم بویژه مزد و حقوق بگیران بخشا ازعواقب این دست اقدامات و تهدیدات است که سود آن به کیسه امریکا و اسرائیل و مرتجعین داخلی می برند و زیان آن را مردم با رنج و محرومیت خود باید تحمل کنند.

ریشه بخشی از این تهدیدات ناشناخته نیست، حکومت خوب می داند که نارضایتی مردم از عملکرد آنها دارد به آستانه انفجار می رسد و اگر منفجر نمی شود بخاطر پرهیز مردم از سئواستفاده و بهره برداری دشمنان خارجی است.اما این صبوری و تحمل بی پایان نیست و با دفع تجاوز خارجی وپایان یافتن جنگ خشم و نارضایتی بیرون می ریزد.

بهمین دلیل جریان جنگ طلب و سرکوبگر تر که نگران از دست دادن قدرت و افتادن آن بدست مردم است، تلاش می کند با تهدید و سرکوب و تن ندادن به صلح ولو با وجود عقب نشینی متجاوزان خارجی قدرت استبدادی خود را حفظ نماید. با این همه وضعیت جامعه به گونه‌ای نیست که حکومت بتواند با توسل به تشدید سرکوب و ارعاب و امتناع از حل اختلافات خود از طریق مذاکره با امریکا و کشورهای حوزه خلیج فارس، موقعیت خود را استوار نگاه دارد. اعتراضات از آنجا که ریشه فشار اقتصادی ومعیشتی و سیاسی دارند، لاجرم با هم پیوند برقرار خواهند کرد و جنبش

نوین و گسترده‌ای را رقم خواهند زد که هم عدالتخواهانه، هم آزادیخواهانه و هم صلح طلبانه است و نه تن به سلطه دشمنان داخلی و خارجی و عوامل آنها نخواهد داد، و نه با تهدیدات و اقدامات شما دست از حق خواهی و مبارزه برای برخورداری از آزادی و عدالت و زندگی انسانی دست خواهد کشید. کما اینکه سالها اعمال سرکوب و استبداد نتوانسته مبارزات ترقی خواهانه مردم برای برچیدن بساط استبداد و بی عدالتی را متوقف نماید، از این به‌بعدهم موفق به این کار نخواهد شد.مردم در عمل از سیستم دیکتاتوری و فقاهتی و از طرز تفکر و کشورداری حکومت سالهاست عبور کرده‌اند و با تهدید و ارعاب و سرکوب از مطالبات و مبارزات خود تا حصول به نتیجه مطلوب دست بر نمی دارند

متحد و متشکل علیه بیکاری و فقر مبارزه باید کرد!

همه با هم برای پایان دادن به جنگ، برقراری صلح، رفاه و آزادی متحدانه مبارزه کنیم!

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۳ مرداد ۱۴۰۵، برابر ۱۴ آگست۲۰۲۶ | شماره ۳۸۷ | Iranian Workers Analects – No:387

بی‌ثباتان - بخش سوم

گای استندینگ

بی‌ثباتان به حرکت درآمدند

تا سال 1989، شهر پراتو - در فاصله ای نه چندان دور از فلورانس و از زمرهٔ بزرگترین مراکز نساجی اروپا - تقریباً به طور کامل ایتالیایی نشین بود. این شهر قرنها یکی از مراکز بزرگ تولید منسوجات و پوشاک به شمار می‌رفت. بسیاری از 180هزار ساکن آن، نسل به نسل، با این صنایع پیوند داشتند. این شهر منطقهٔ توسکان، در بازتاب ارزشهای قدیمی خود، از نظر سیاسی به طور استواری چپگرا بود. پراتو تجسمی از همبستگی اجتماعی و میانه روی به نظر می‌رسید.

در سال 1989 گروهی متشکل از 38 کارگر چینی وارد شهر شدند و گونه ای جدید از شرکتهای تولید پوشاک شروع به شکلگیری کرد؛ شرکتهایی که صاحبانشان مهاجران چینی بودند و چند نفر ایتالیایی مرتبط با آنان. این شرکتها شمار هر چه بیشتری از کارگران چینی را وارد می‌کردند که بسیاری از آنان بدون مجوز کار وارد ایتالیا می‌شدند. حضورشان مورد توجه بود، اما تحمل می‌شد؛ زیرا کار آنان به رونق اقتصاد کمک می‌کرد و فشاری بر منابع مالی عمومی نبود. آنها از هیچ گونه مزایای دولتی استفاده نمی‌کردند، زندگی شان را از دیگران جدا کرده بودند و در محله ای متمرکز بودند که کارخانه های چینی در آن قرار داشتند. بیشترشان از یک شهر می‌آمدند: ونژو، شهری ساحلی در استان ژجیانگ، منطقه ای با سابقه ای طولانی در مهاجرت کاری. بسیاری از آنان از طریق فرانکفورت و با ویزای توریستی سه ماهه وارد ایتالیا و پراتو می‌شدند و پس از پایان اعتبار ویزا نیز در خفا هماجا می‌ماندند و به کار ادامه می‌دادند. این کیفیت آنان را در موقعیتی آسیب پذیر و به شدت استثمارپذیر قرار می‌داد.

تا سال 2008 تعداد شرکتهای چینی ثبت شده در شهر به 4200 واحد و شمار کارگران چینی به 45هزار نفر رسیده بود؛ یعنی یک پنجم جمعیت شهر. به گفته مقامات شهرداری، این شرکت ها روزانه 1 میلیون قطعه پوشاک تولید می‌کردند؛ میزانی که بر اساس محاسبات آنان، کار 20 سال این شرکتها برای پوشاندن لباس بر تن تمام جمعیت جهان کافی بود.

همزمان شرکتهای ایتالیایی محلی که از یک سو زیر فشار قیمتهای پایینتر چینیها و از سوی دیگر در معرض رقابت هند و بنگلادش قرار گرفته بودند، شمار زیادی از کارگران خود را اخراج کردند. تا سال 2010، تعداد کارکنان آنها به 20هزار نفر رسیده بود؛ یعنی 11هزار نفر کمتر از سال 2000. هم زمان با کوچکتر شدن این شرکتها شمار بیشتری از کارگران را از مشاغل معمولی و باثبات به مشاغل ناپایدار و بی‌ثبات منتقل کردند .

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۳ مرداد ۱۴۰۵، برابر ۱۴ آگست۲۰۲۶ | شماره ۳۸۷ | Iranian Workers Analects – No:387

سپس شوک مالی از راه رسید؛ شوکی که پراتو را تقریباً به همان شیوه ای تحت تأثیر قرار داد که بسیاری از مناطق صنعتی قدیمی اروپا و آمریکای شمالی را تحت تأثیر قرار داده بود. ورشکستگیها به سرعت افزایش یافتند، بیکاری بالا رفت و نارضایتیها به خصومتهای تلخ کشیده شدند. ظرف چند ماه چپ سیاسی از قدرت کنار زده شد و "اتحادیه شمال (Lega Nord) "که مواضعی بیگانه ستیز داشت، قدرت را به دست گرفت.

این حزب بلافاصله سرکوب چینیها را آغاز کرد: حملات شبانه به کارخانه ها و "کارگاه های عرق ریزی" (اسمی که به کارگاه های چینی داده شده) آنان را سازمان داد، کارگران چینی را بازداشت و جمع آوری کرد و آنان را به عنوان عاملان مشکلات جامعه معرفی کرد. این اقدامات هم زمان بود با اظهارات متحد سیاسی اتحادیه، یعنی سیلویو برلوسکونی نخست وزیر وقت ایتالیا، که از عزم خود برای شکست دادن "ارتش شر" سخن می‌گفت؛ او این تعبیر را برای مهاجران "غیرقانونی" به کار می‌برد.

سفیر چین که از این وضعیت به شدت متأثر شده بود، با شتاب از رم به پراتو رفت و گفت آنچه در جریان است، او را به یاد نازیها در دهۀ 1930 می‌اندازد. به طرز عجیبی به نظر می‌رسید دولت چین نیز تمایل چندانی به بازگرداندن این مهاجران ندارد.

با این حال مشکلات فقط ناشی از عدم تحمل ساکنان محلی نبود. ماهیت محصور محلۀ چینیها نیز در ایجاد مشکلات نقش داشت. در حالی که کارخانه های قدیمی پراتو برای رقابت کردن تقلا می‌کردند و کارگران ایتالیایی را وادار می‌کردند به دنبال منابع درآمد جایگزین باشند، چینیها جامعه ای در دل جامعه ای دیگر ایجاد کرده بودند. بنا بر گزارشها، باندهای چینی سازماندهندۀ مهاجرت مهاجران از چین بودند و محلۀ چینها را هم آنها اداره می‌کردند؛ و البته برای کنترل محله با باندهایی از روسیه، آلبانی، نیجریه و رومانی و همچنین با مافیا رقابت داشتند.

به علاوه فعالیت آنان به پراتو محدود نمی‌شد. باندهای چینی با شرکتهای چینی برای سرمایه گذاری در پروژه های زیرساختی ایتالیا ارتباط برقرار کرده بودند؛ از جمله طرح چند میلیارد یورویی احداث "پایانۀ چین" در نزدیکی بندر چیویتاوکیا.(Civitavecchia)

پرادو به نمادی از جهانی شدن و معماهایی تبدیل شده است که رشد پرکاریا موجب آنهاست. با گسترش این "کارگاه های عرق ریزی" چینی، ایتالیاییها نقش پرولتری خود را از دست دادند و ناچار شدند برای یافتن شغلی ــ اعم از آن که چه شغلی باشد - دست و پا بزنند. از سوی دیگر چینیها، یعنی بخش مهاجر پرکاریا، در معرض مجازات و تلافی جویی مقامات قرار گرفت، در حالی که برای بقا به شبکه های مشکوک درون جامعۀ محصور خود وابسته بود.پرادو به هیچ وجه نمونه ای منحصر به فرد نیست؛ بلکه بازتاب دهندۀ جریانی بطنی و کمتر آشکار جهانی شدن است.

چاره کارگران وحدت و متشکل شدن در تشکلهای مستقل است!

کمیته های سازماندهی اعتراضات را در محل های کار و زندگی تشکیل دهیم!

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۳ مرداد ۱۴۰۵، برابر ۱۴ آگست۲۰۲۶ | شماره ۳۸۷ | Iranian Workers Analects – No:387

برکناری مدیر کل تامین اجتماعی چیزی را به نفع کارگران تغییر نخواهد داد

صادق

روز ۲۲ مرداد خبر برکناری مصطفی سالاری از مدیریت سازمان تأمین اجتماعی و انتصاب غلامحسین محمدی، رئیس سازمان آموزش فنی‌وحرفه‌ای کشور از سوی احمد میدری وزیر کار ، بجای وی اعلام شد.

دلایل بر کناری سالاری هنوز از سوی وزیر کار و دولت منتشر نشده است که بتوان در مورد آن دقیقا اباظهار نظر کرد.با این حال روشن است که بازنشستگان و همچنین کسانی که از تامین اجتماعی خدمات دریافت می کنند ازعملکرد مدیریت تامین اجتماعی به دلیل تغییرات منفی بسیاری که در دوره سالاری در این سازمان بزرگ و حیاتی رخ داد ناراضی بودند و انعکاس این ناخشنودی را همه روزه از سوی کارگران و بازنشستگان حتی در برخی از خبرگزاری های دولتی منعکس می شد.

سالاری اما مجری سیاستهایی بود که از سوی دولت دیکته می شد بنا بر این با وجود اینکه خود سالاری هم در طراحی و پیشبرد هیچ کدام آنها بی اثر نبود، اما تغییر ناگهانی وی به نظر می رسد بیشتر ناشی از اختلافاتی باشد که بین وزیر کار و دولت با او پیش آمده است.

عملکرد منفی و ضد کارگری احمد میدری در نقش وزیر کار نیز این احتمال را که سیاستهای تامین اجتماعی با این تغییر مدیرتی بدتر خواهد شد تقویت می کند و نشانه مثبتی به نفع کارگران و بازنشستگان نباید تلقی شود.

واقعیت این است که در دولت پزشکیان هر تصمیمی که در خصوص مسائل اجتماعی خصوصا کارگری گرفته شده یکی از دیگری عدالت ستیزانه تر از هم بوده‌اند.

این به آن معنی نیست که سیاستهای اجتماعی دولت های پیشین بهتر از دولت پزشکیان بوده است. خیر با اطمینان و مراجعه به سوابق کلیه دولتها از زمان دولت موسوی به این سو روشن می شود که همه تغییرات به عمل آمده در قوانین کار و اجتماعی حتی در دولت خاتمی که با وعده عدالت اجتماعی و اصلاحات سیاسی رای مردم را بدست آورد، نیز از این قاعده مستثنی نبوده است .

بی حقوق سازی و خلع قدرت از طبقه کارگر سیاست کل حکومت و دولتهای برآمده از آن است که خود علی خامنه‌ای و متحدین راستگرای او مانند موتئلفه در ترویج آن نقش اصلی را به عهده داشته‌اند. این سیاست، ها اینک با کمک جریانات راست جدید اعم از محافظه کار و اصلاح طلب و صدها تشکل کارفرمایی پیش برده می شود و فقر و فلاکت بی سابقه طبقه کارگر نتیجه آن است.

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۳ مرداد ۱۴۰۵، برابر ۱۴ آگست۲۰۲۶ | شماره ۳۸۷ | Iranian Workers Analects – No:387

از همین رو بر خلاف ادعای هواداران فریبکار خامنه‌ای که خود را عدالتخواه معرفی می کنند و کوشش می کنند بی عدالتی های عریان و گسترده را تنها به اصلاح طلبان نسبت دهند خامنه‌ای و بیت رهبری و شرکای بازارگرای وی بیشترین سهم و نقش را در این ارتباط دارند.

یکی از موفقیعت های خامنه‌ای در این خصوص همراه کردن جریانات اصلاح طلب مدعی عدالتخواهی ذوب آنها در سیاست های نا عادلانه خود بود.

همه ی اتغییرات ارتجاعی در واقع با سرکوب تشکلها و احزاب کارگری شروع شد و این سرکوبها باعث فجایعی شد که امروزه بصورت عریان مقابل ما قرار دارند.

بنا به دلایل ذکر شده متوقف کردن این روند ضد انسانی با تغییر یک مدیر کل یا وزیر و حتی دولت میسر نبوده و نیست.هر دولتی روی کار بیاید راهی متفاوت از دولت پزشکیان و دولتهای پیش از او در پیش نخواهد گرفت.

راه کار واقعی بازگشت به سازماندهی شوراها و تشکلهای مستقل کارگری و مبارزه پیگیرانه با استبداد و سرکوب است . حکومت با سرکوب شوراها و سندیکاها و احزاب کارگری و مترقی و نهادینه کردن استبداد، توانست طبقه کارگر و زحمتکش را تضعیف کند و همه ی قوانین را علیه حقوق آنها باز تعریف یا از میان بردارد. از همین رو کارگران و بازنشستگان بدانند که تغییر مدیریت تامین اجتماعی بهبودی در مناسبات این سازمان بوجود نخواهد آورد، بلکه حتی محتمل است که حقوق آنها را بیش از پیش تضعیف کند. هم اکنون طرح های ضد کارگری تازه‌ای در دست تهیه برای وتصویب هستند که تک به تک آنها وضعیت کارگران و اعضای تامین اجتماعی را بدتر از حالا می کنند و عملا مفهوم تامین اجتماعی و رفاه را از محتوا تهی می کنند. تسهیل تصویب این طرح ها از وظایف مدیرعامل جدید است. متاسفانه تصویب این طرح ها با وجود پراکندگی طبقه کارگر و نظر داشت وضعیت موجود نا محتمل نیست. بهمین دلیل برای مقابله با چنین طرح هایی طبقه کارگر باید متحد و متشکل شود و قدرت گذشته خود را بازیابد.

از مبارزه کارگران پیمانی برای لغو کار پیمانی و برچیدن قراردادهای موقت حمایت کنیم!

بیمه و حقوق هنگام بیکاری برای همه ی کارگران!

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۳ مرداد ۱۴۰۵، برابر ۱۴ آگست۲۰۲۶ | شماره ۳۸۷ | Iranian Workers Analects – No:387

شش ماه کار بدون پرداخت دستمزد، ظلم مضاعف است

ع امید

گزارشات متعددی از کارگرانی که چند ماه دستمزد ازکارفرما هایشان طلب دارند و بواسطه ندان آن با مشکل و بحران در تامین هزینه های زندگی شان دست و پنجه نرم می کنند مدتهاست در رسانه ها منتشر می شوند و تقریبا همه به دیدن این نوع گزارش عادت کرده‌اند .

با وجود انتشار این گزارشها تا کار از شکایت به اعتراض نکشد، نه صاحبکار و نه ادارات کار به شکایات توجه نمی کنند و خیلی وقتها نیز اعتراض تا چند بار تکرار نشود به نتیجه نمی رسد .

شاید تصور شود که علت تاخیر چند ماهه دستمزدها جنگ یا وضعیت جنگی حاکم بر کشور باشد، اما این وضعیت قبل از جنگ هم وجود داشته است .

بیشترین تخلفات در شرکتهای پیمانکاری انجام می شود و در شهرداری ها از سایر موسسات این پدیده رایج تر است. هم اکنون در تعداد زیادی از شهرداری ها که شرکت های پیمانکاری کارفرما هستند کارگران زیادی هستند که ماه هاست حقوق نگرفته‌اند و شکایات شان به دستگاه های دولتی ره بجایی نبرده است و تشکلی هم ندارند که حق و حقوق شان را پیگیری و به نتیجه برساند .

روز گذشته گزارشی از کارگران شهرداری زاهدان در استان محروم سیستان و بلوچستان منتشر شد که از ندادن ٦ ماه دستمزد کارگران توسط پیمانکار خبر می داد. کارگران به خبرنگار گفتند که ندادن دستمزدهایشان طی شش ماه گذشته برای خانواده هایشان مشکلات زیادی بوجو آورده است.

" کارگران که از افزایش میزان مطالبات مزدی خود در ماه‌های آینده نگرانند، گفتند: مشکلات معیشتی و عدم پرداخت مطالبات، مشکلات بسیاری برای خانواده‌هایمان به وجود آورده است"

این وضعیت و مشکلات ناشی از آن مختص کارگران شهرداری زاهدن که به جرات می توان گفت محرومترین استان کشور از همه ی لحاظ است نیست . حتی در شرکتهای نفت و گاز کنگان و پارس جنوبی دو روز پیش اعتراض گسترده‌ای در چند سکوی نفتی انجام گرفت که یکی از مطالبات آن پرداخت دستمزدهای معوق بود .

طبق یکی از مواد قانون کار که هنوز هم تغییر داده نشده، دستمزد و حقوق کارگر باید به موقع پرداخت شود و استثنایی هم در این خصوص در قانون ذکر نشده است. در صورت تخلف مراجع قانونی که در اینجا ادارات

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۳ مرداد ۱۴۰۵، برابر ۱۴ آگست۲۰۲۶ | شماره ۳۸۷ | Iranian Workers Analects – No:387

کار هستند موظف شده‌اند کارفرما را مکلف به پرداخت دستمزد و حقوق کنند و حتی تاخیر در پرداخت دستمزد جرم تلقی شده است .

با این وجود نهادهای قانونی مربوطه با وجود انبوهی از اعتراض به این شکایتها رسیدگی نمی کنند و یا پیگیری را آنقدر طولانی می کنند که کارگر را خسته و نامید نمایند .

ندادن به موقع دستمزدها در حالی انجام می گیرد که دستمزدها ی ناچیز با هر ماه تاخیر در اثر تورم بخشی از ارزش خود را از دست می دهند و کارگر از این طریق نیز قسمت دیگری از ارزش دستمزد خود را از دست می دهد. بعضی از شرکتها نیز دستمزدها را صرف خرید طلا، ارز و کالاهایی می کنند که مطمعن هستند ارزش شان طی یکی دو ماه بیشتر می شود و پس از کسب سود از بابت به گرو گرفتن دستمزد به قیمت ایجاد مشکلات برای معیشت خانواده های کارگری دستمزدها را که ارزش شان کاهش یافته پرداخت می کنند و این روال را در مورد دستمزدهای ماه های آینده ادامه می دهند .

یعنی در واقع انگیزه اصلی از ندادن به موقع دستمزدها یکی کسب سود مضاعف مالی است و یکی هم فشار آوردن به کارگر برای قطع مزایای شغلی، افزایش ساعت کار، اضافه کاری بدون دستمزد، مطیع کردن کارگران و غیره است. بهمین دلیل است که تعداد موسساتی که مزایای شغلی کارکنان خود را قطع می کنند و حتی حق بیمه آنها را پرداخت نمی کنند بیشتر می شود.وقتی حتی به علل اعتراض های اخیر کارکنان سکوهای نفتی مراجعه می کنیم متوجه می شویم دامنه این نوع فشارها به میان کارگران نفت و گاز که بیشترین ارزش اضافی را تولید می کنند امتداد پیدا کرده است و این قانون شکنی ها مختص شرکتهای خصوصی نیست تا جایی که چند ماه پیش بخشی از مزایای شغلی کارکنان وزارت جهاد کشاورزی را که دولتی است نیز حذف کردند و آنها را به اعتراض کشاندند .

از دولتی که رئیس جمهورش ابلهانه می گوید، ارز ترجیحی کالاهای اساسی را اگر حذف نمکردیم در کشور قحطی می شد، نمی شود انتظار داشت که با نیروی کار کشور منصفانه تر از این که می کند،رفتار کند. راهکار ظالمانه او جلوی قحطی را نتوانست بگیرد، تنها با گران سازی قیمت کالاهای اساسی و کاهش حقوق و دستمزدها قحطی را هم طبقاتی کرد. برای ده‌ها میلیون شهروندی که قدرت خرید ندارند و مزدشان را ماها گرو نگه می دارند، چه فرق می کند، که قحطی کالا باشد، یا قحطی قدرت خرید؟

از مبارزه تبعیض ستیزانه زنان برای آزادی و برابری با مردان و برقراری عدالت حمایت و برای تحقق آن مبارزه کنیم!

تلاش حکومت برای کاهش حقوق بازنشستگی را محکوم و از مبارزه کارگران برای توقف آن حمایت کنیم!

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۳ مرداد ۱۴۰۵، برابر ۱۴ آگست۲۰۲۶ | شماره ۳۸۷ | Iranian Workers Analects – No:387

کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری: تنزل حقوق کارگران آمریکا در دوران ترامپ تا سطح گینه‌بیسائو و لیبریا؛ از نابودی چانه‌زنی جمعی تا سرکوب اتحادیه‌ها

برای نسل‌های متمادی، ایالات متحده مدافع جهانی آزادی، دموکراسی و حاکمیت قانون بوده است. اما امروز، جهان از ایالات متحده می‌خواهد همین اصول را در داخل کشور نیز رعایت کند.

تابستان امسال، کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری(ITUC) ، که از طریق ۳۴۰ تشکل عضو در ۱۶۹ کشور نماینده بیش از ۲۰۰ میلیون کارگر است، ایالات متحده را در میان کشورهایی قرار داد که در آنها «نقض نظام‌مند حقوق کارگران» صورت می‌گیرد.

شاخص جهانی حقوق کارگران این کنفدراسیون، بیش از ۱۵۰ کشور را بر اساس ۹۷ شاخص برگرفته از استانداردها و رویه‌های حقوقی بین‌المللی ارزیابی می‌کند. با توجه به افزایش موارد نقض حقوق کارگران نسبت به سال گذشته، ایالات متحده در کنار گینه بیسائو، اسرائیل، لیبریا، مولداوی، فیلیپین و زیمبابوه در «فهرست تحت نظارت» این گزارش قرار گرفت.

قرار گرفتن ایالات متحده در این فهرست بر اساس روند عقب‌نشینی از حقوق بنیادین در یک سال گذشته صورت گرفته و نشانه‌ای نگران‌کننده از وضعیت کنونی این کشور است.

این گزارش به موارد زیر در ایالات متحده اشاره می‌کند:

بیش از یک میلیون کارمند دولت فدرال حق چانه‌زنی جمعی خود را از دست داده‌اند.

هیئت ملی روابط کار آمریکا عملاً از ایفای نقش اساسی خود در حفاظت از حقوق کارگران ناتوان شده است.

ده‌ها هزار عضو اتحادیه‌های کارگری مهاجر، در پی پایان غیرقانونی انواع حمایت‌ها و برنامه‌های مبتنی بر حقوق، وضعیت قانونی و حقوق خود را از دست داده‌اند.

اجرای قوانین مهاجرتی به ابزاری برای سرکوب آزادی بیان، تجمع و تشکل‌یابی تبدیل شده است؛ به این صورت که کارگرانی که دست به اقدام می‌زنند یا دیدگاه‌هایی برخلاف دیدگاه دولت ابراز می‌کنند، بازداشت می‌شوند یا ویزای آنها لغو می‌شود.

هدف این اقدامات دولت ترامپ تضعیف حق کارگران برای پیوستن به اتحادیه، چانه‌زنی جمعی و برخورداری از آزادی بیان است، اما پیامدهای آن بسیار فراتر از محیط کار می‌رود.

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۳ مرداد ۱۴۰۵، برابر ۱۴ آگست۲۰۲۶ | شماره ۳۸۷ | Iranian Workers Analects – No:387

وقتی کارگران در محیط کار از حقوق خود استفاده می‌کنند، نه‌تنها توان بیشتری برای دفاع از شرایط کاری بهتر پیدا می‌کنند، بلکه بهتر می‌توانند در جوامع خود نیز در فعالیت‌های دموکراتیک مشارکت داشته باشند.

اغلب نخستین تجربه رأی دادن و نامزد شدن برای انتخابات برای افراد از طریق یک اتحادیه در محل کار شکل می‌گیرد. در حال حاضر، ۵۶۴ عضو اتحادیه‌ها و اعضای خانواده آنها برای نامزدی در انتخابات میان‌دوره‌ای ایالات متحده مورد حمایت قرار گرفته‌اند؛ رقمی که انتظار می‌رود با نزدیک شدن به انتخابات در اواخر سال جاری افزایش یابد.

بنابراین، اقدامات دولت ترامپ نه‌تنها شرایط کار در سراسر کشور را تهدید می‌کند، بلکه توانایی مردم برای مشارکت مدنی را نیز تضعیف می‌کند. در نتیجه، جوامع آمادگی کمتری برای مقابله با مسائل دیگری مانند فساد، استفاده سوءاستفاده‌گرانه از فناوری و زیاده‌خواهی شرکت‌های بزرگ خواهند داشت.

تضعیف حقوق در ایالات متحده الگویی خطرناک برای جهان ایجاد کرده است. دولت‌ها، کارفرمایان و سرمایه‌گذاران در سراسر جهان این روند را زیر نظر دارند و برخی از آنها ممکن است از آن برای دنبال کردن مسیری مشابه تشویق شوند.

خبر خوب این است که این داستان هنوز به پایان نرسیده است.

در سراسر ایالات متحده، کارگران همچنان سازماندهی می‌کنند. آنها همچنان به کسب رسمیت برای اتحادیه‌های خود، مذاکره برای شرایط بهتر و ایجاد قدرت در صنایع و جوامع مختلف ادامه می‌دهند. عزم آنها به جهان یادآوری می‌کند که دموکراسی تنها با اتکا به نهادها حفظ نمی‌شود، بلکه به مردمی وابسته است که آماده‌اند هر روز از آن دفاع کنند.

وقتی کارگران آمریکایی برای حقوق خود مبارزه می‌کنند، نه‌تنها دموکراسی را در داخل کشور تقویت می‌کنند، بلکه به تقویت آن در سراسر جهان نیز کمک می‌کنند.

*نویسندگان: لوک تریانگل دبیرکل کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری (ITUC) است. کَتی فِینگولد مدیر امور بین‌المللی فدراسیون اتحادیه‌های کارگری آمریکا (AFL-CIO) است.

منبع: اخبار روز

بیانیه کانون صنفی معلمان ایران (تهران) در محکومیت تشدید فشار بر فعالان صنفی معلمان

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۳ مرداد ۱۴۰۵، برابر ۱۴ آگست۲۰۲۶ | شماره ۳۸۷ | Iranian Workers Analects – No:387

از آغاز حمله آمریکا و اسرائیل به ایران، همزمان با جنگ بیرونی، جنگی دیگر در داخل کشور شدت گرفته است: جنگ حاکمیت مستقر با جامعه و نیروهای مستقل مدنی....

افزایش آمار اعدام زندانیان سیاسی، صدور احکام سنگین قضایی، تشدید فشارهای امنیتی و گسترش فضای ارعاب و ترس، تنها بخشی از نشانه‌های این جنگ یک‌طرفه علیه جامعه ایران است. در این میان، معلمان و فعالان صنفی نیز از این فضای سرکوب و تهدید بی‌نصیب نمانده‌اند.

بر اساس گزارش‌های منتشر شده، از اسفندماه سال گذشته تاکنون، بیش از ۶۰ معلم و فعال صنفی با احضار، بازداشت، صدور احکام قضایی، برخوردهای اداری، تبعید، اخراج و محرومیت‌های شغلی مواجه شده‌اند. این آمار تنها شامل مواردی است که رسانه‌ای شده‌اند و بدیهی است بسیاری از معلمان، به دلیل نگرانی از تشدید فشارها و پیامدهای امنیتی، امکان یا جسارت اطلاع‌رسانی درباره وضعیت خود را نداشته‌اند.

در همین مدت، ایرج توبه‌ای‌ها، معلم بازنشسته نجف‌آباد، پس از پایان محکومیت ناعادلانه خود، به تبعید محکوم شده است. برای کوکب بداغی، فعال صنفی معلمان خوزستان، حکم یک سال حبس صادر شده و شکرالله احمدی، بازرس شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، در دادگاه بدوی به سه سال و هفت ماه زندان به دلیل فعالیت‌های صنفی محکوم شده است. همچنین مجید کریمی و غیاث نعمتی، از اعضای انجمن صنفی معلمان کردستان، با وجود رأی هیأت عالی تخلفات اداری مبنی بر بازگشت به کار، بار دیگر از سوی وزارت آموزش‌وپرورش با حکم بازخرید و اخراج مواجه شده‌اند. این روند در مورد فروغ خسروی، از معلمان خوزستان، نیز با صدور حکم اخراج از آموزش‌وپرورش ادامه یافته است.

فشار بر فعالان صنفی حتی با ورود آنان به زندان نیز پایان نمی‌یابد. جواد_لعل‌محمدی، معلم خراسان رضوی، که نزدیک به چهار سال است دوران حبس ناعادلانه خود را در زندان وکیل‌آباد مشهد می‌گذراند، با وجود بیش از ۲۳ سال سابقه تدریس، با حکم اخراج از آموزش‌وپرورش مواجه شده است.

مسعود فرهیخته، معلم بازنشسته کرج، که از شهریورماه در حبس به سر می‌برد، بنا بر گزارش خانواده‌اش بارها به سلول انفرادی منتقل شده و از تماس تلفنی و ملاقات محروم مانده است.

ابوالفضل خوران با وجود بیماری، بیش از سه سال است که در زندان اراک ناعادلانه در حبس است.

رضا_امانی‌فر، دیگر بازرس شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، نیز از فروردین‌ماه به‌صورت بلاتکلیف در زندان بوشهر در حبس است. او با وجود بیماری کلیوی از رسیدگی درمانی مناسب محروم مانده و در تنها مورد اعزام به خارج از زندان، در اقدامی غیر انسانی با دستبند و پابند به بیمارستان منتقل شده است.

این موارد تنها بخشی از گزارشی کوتاه از روند فزاینده سرکوب معلمان و فعالان صنفی از اسفندماه گذشته تاکنون است؛ روندی که نشان می‌دهد برخورد با معلمان مطالبه‌گر، نه امری موردی، بلکه بخشی از

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۳ مرداد ۱۴۰۵، برابر ۱۴ آگست۲۰۲۶ | شماره ۳۸۷ | Iranian Workers Analects – No:387

سیاستی گسترده برای خاموش کردن صدای تشکل‌یابی، عدالت‌خواهی و مطالبه‌گری صنفی است.
کانون صنفی معلمان ایران(تهران) ضمن محکوم کردن تشدید روند سرکوب، ارعاب، پرونده‌سازی، صدور احکام قضایی و اداری و اعمال فشار بر فعالان صنفی، به حاکمیت هشدار می‌دهد که هیچ حکومتی در تاریخ معاصر نتوانسته است با تعمیق شکاف میان دولت و ملت، با سرکوب جامعه مدنی و با خاموش کردن صدای منتقدان و مطالبه‌گران، ثبات و مشروعیت پایدار برای خود ایجاد کند.

ما به عنوان یک تشکل صنفی و مدنی تأکید می‌کنیم که
فعالیت صنفی جرم نیست.
دفاع از معیشت و منزلت معلمان،
اعتراض به تبعیض،
مطالبه آموزش رایگان و باکیفیت،
دفاع از حقوق دانش‌آموزان و
تلاش برای حفظ و گسترش تشکل‌های مستقل،
حقوقی بنیادین و مشروع‌اند و نباید با احکام زندان، اخراج، تبعید، بازخرید، انفصال و محرومیت‌های شغلی پاسخ داده شوند.

کانون صنفی معلمان ایران(تهران) خواهان:

توقف فوری سرکوب‌ها؛
لغو احکام قضایی و اداری صادر شده علیه فعالان صنفی؛
آزادی همه زندانیان سیاسی از جمله معلمان زندانی؛
پایان دادن به اذیت و آزار فعالان صنفی، به‌ویژه زندانیان بیمار و در معرض آسیب؛
به رسمیت شناختن حق تشکل‌یابی، آزادی بیان و اعتراض مسالمت‌آمیز معلمان است.

کانون صنفی معلمان ایران(تهران)
۲۳/۵/۱۴۰۵

تجمع اعتراضی اساتید به‌اجبار بازنشسته‌شده دانشگاه فرهنگیان در مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش برگزار شد.

مطالبات این معترضان عبارتند از:

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۳ مرداد ۱۴۰۵، برابر ۱۴ آگست۲۰۲۶ | شماره ۳۸۷ | Iranian Workers Analects – No:387

لغو بازنشستگی‌های اجباری، گزینشی و تبعیض‌آمیز بیش از ۳۲۰ عضو هیئت علمی

پرداخت فوری حقوق و تمام معوقات مزدی پرداخت‌نشده طی یک سال گذشته

اجرای مصوبات کمیسیون‌های مجلس و دستورات مقامات بر استمرار خدمت اساتید

پایان دادن به برخوردهای سلیقه‌ای و بازگشت به کار منصفانه اعضای هیئت علمی

اتحاد بازنشستگان

بازنشستگان تامین اجتماعی و مخابرات در تظاهرات روز یکشنبه ۲۵ مرداد خود افزون بر طرح مطالبات صنفی و معیشتی در تهران خواهان توقف و لغو مجازات اعدام و آزدای معلمان و کارگران و سایر زندانیان سیاسی از جمله‌رضا امانی‌فر، مسعود فرهیخته و علیرضا شایگان شدند اظهار مخالفت با گرانی نان و دارو و وضعیت اقتصادی در تظاهرات ۲۵ مرداد نیز نقش ویژه‌ای داشت

تجمع اعتراضی کارگران پتروشیمی سلمان فارسی

جمعی از کارگران پتروشیمی سلمان فارسی، روز شنبه ۲۴ مردادماه، با تجمع مقابل دفتر نماینده ماهشهر در مجلس، خواستار تعیین تکلیف وضعیت شغلی خود شدند. این کارگران که شمار آنها حدود ۳۲ نفر اعلام شده، پیشتر از کار بیکار شده بودند و پس از پیگیری‌های انجام‌شده، رأی اداره کار و نامه‌های استانداری خوزستان و فرمانداری ماهشهر را برای بازگشت به کار دریافت کردند. با این حال، آنها نسبت به تغییر وضعیت کاری خود از قرارداد مستقیم به پیمانکاری اعتراض دارند و می‌گویند همچنان با بلاتکلیفی شغلی مواجه هستند.

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۳ مرداد ۱۴۰۵، برابر ۱۴ آگست۲۰۲۶ | شماره ۳۸۷ | Iranian Workers Analects – No:387

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه خزرپلاستیک
روز پنجشنبه ۲۲ مرداد کارگران شاغل در کارخانه خزرپلاستیک تجمع اعتراضی برگزار کردند
کارگران نسبت به نحوه اجرای طرح طبقه بندی اعتراض دارند و می‌گویند: طرح طبقه‌بندی مشاغل به شکل نادرست و سلیقه‌ای اجرا شده و برای کارگران پیمانکاری پایین‌ترین رتبه‌ها در نظر گرفته شده و در طرح آنها بعنوان کارگر ساده طبقه بندی شده‌اند تا دستمزد و مزایای کمتری به آنها پرداخت کنند. در شرکت خزر پلاستیک حدود ۳۰۰ کارگر مشغول کار هستند که تنها حدود ۷۰ نفر قرارداد مستقیم با کارگاه دارند و سایر نیروها از طریق سه شرکت پیمانکاری مشغول به کار هستند. کارگران معترض نسبت به پرداخت نکردن کامل حق نوبت کاری نیز اعتراض دارند

متحد و متشکل علیه سیاستهای ریاضت کشانه حکومت مبارزه باید کرد!

از مبارزه کارگران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد و حقوق بازنشستگی حمایت کنیم!

مبارزه برای آزادی زندانیان مدنی و سیاسی و لغو قانون اعدام را تشدید کنیم!

*برای تماس با نشریه "جُنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:

*"جُنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:
https://bepish.org/taxonomyterm/457